

آموزش رفتارهای مطلوب اقتصادی به فرزندان



مقدمه

بخشی مهم از مسائل اقتصادی خانواده، آموزش و تربیت رفتار صحیح اقتصادی به فرزندان است. آموزش اقتصاد به فرزندان به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. بخش غیرمستقیم که مهم‌تر است، روش و نوع عملکرد والدین است که خواه و ناخواه حتماً به فرزندان منتقل می‌شود. مادران مدیر، قانع و صرفه‌جو، فرزندان به همین گونه تربیت می‌کنند و مادران اسرافکار، تجمل‌پیشه و مصرف‌گرا نیز فرزندان تنوع طلب و مصرف‌زده به جامعه تحویل می‌دهند. لذا اولین و مهم‌ترین گام در تربیت صحیح اقتصادی فرزندان (مثل سایر زمینه‌های تربیتی)، تصحیح عملکرد والدین است.

در شیوه دوم، والدین یا مربیان به گونه‌ای مستقیم عمل می‌کنند. برای مثال، درباره مسائل اقتصادی با فرزندان گفت‌وگو می‌کنند یا در هنگام خرید تذکرات لازم و آموزش‌های ضروری را به آن‌ها می‌دهند یا در خانه در مورد مصرف آب، برق، مواد غذایی، نگهداری وسایل و... امر و نهی می‌کنند. در این نوشتار به برخی از این آموزش‌ها اشاره می‌کنیم.

فرزندان و مالکیت

«... اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً...»

«اموال شما که خداوند برای شما وسیله قوام و پایداری (زندگی) قرار داده است» (سوره نساء، آیه ۴).

کودکان خیلی زود با مفهوم مالکیت آشنا می‌شوند. از همان اوان زندگی بچه‌ها در بازی با خواهر و برادر و همسالان خود با معنای «مال من» و مفهوم این که «دیگران حق تعرض به محدوده و اموال او را ندارند»، مأنوس می‌گردند. کمی که بزرگ‌تر شدند، اعیاد و دید و بازدیدها فرصت خوبی برای گرفتن عیدی‌ها و هدیه‌های مختلف است. به‌طور معمول والدین نیز در همین ارتباط بچه‌ها را تشویق به پس‌انداز می‌کنند. با رفتن به دبستان، بچه‌ها با پول توجیبی گرفتن و خرید کردن از بوفه مدرسه یا مغازه سر راه، کم‌کم وارد داد و ستدهای مالی کوچک می‌شوند. بعدها در سن نوجوانی برخی به کار و فعالیت در بازار می‌پردازند و در جوانی هم که به‌طور کلی وارد بازار کار می‌شوند. در این دوران مسائل زیادی وجود دارد که یاد گرفتن آن‌ها برای فرزندان ما ضروری است. برخی از مسائل، احکام شرعی مربوط به امور اقتصادی است که والدین باید با توجه به فتاوی مراجع تقلید خود

آن‌ها را بشناسند و به فرزندان هم بیاموزند؛ ولی ذکر برخی از این مسائل در این جا هم بی‌مناسبت نیست :

- اگر فرزند دختر ده ساله یا بزرگ‌تر و پسر پانزده ساله یا بزرگ‌تر از طریق کسب، مالی به‌دست آورند، پرداخت خمس آن بر آن‌ها واجب است.
- داد و ستد کودک اگر به‌طور مستقل - نه از سوی ولی - باشد، باطل است؛ خواه هر دو طرف معامله کودک باشند یا یک طرف آن کودک باشد.
- داد و ستد کودک ممیز در چیزهای کم‌ارزشی که رسم مردم در آن‌ها بر معامله با کودکان است، باطل نیست.
- کودک نمی‌تواند قرض بدهد یا بگیرد، اجاره بدهد یا مالی را ببخشد یا چیزی را عاریه دهد یا امانت بدهد یا امانت بگیرد.

فرزندان و خرید

امام علی(ع): «المغبون غیر محمود و لا مأجور».

«گول خورده (مغبون) نه ارزشی دارد و نه پاداشی.»

یکی از امور اقتصادی خانواده‌ها، خرید کردن فرزندان است. خرید کردن از کارهای خوبی است که هم باعث همکاری فرزندان در امور خانه می‌شود تا کمکی به انبوه کارهای پدر و مادر باشد و هم عاملی برای ایجاد حس مسئولیت و مهارت برای زندگی مشترک آینده آن‌ها محسوب می‌گردد. هم‌چنین، گاهی خرید کردن فرزندان بزرگ‌تر در مواقع ضروری برای کوچک‌ترها، موجب ایجاد محبت بیشتر بین آن‌ها می‌شود. از این‌رو، اگر با فرزندانمان به خرید می‌روید، باید به نکات زیر توجه داشته باشید:

- در مورد اجناسی که می‌خواهید خرید کنید، از آن‌ها نظرخواهی کنید تا توجهشان به ملاک‌های خرید، مثل کیفیت و قیمت مناسب، تولید داخلی بودن، سالم بودن کالا، شماره پروانه، تاریخ تولید و... جلب شود.
- از همان آغاز از خریدهای غیرضروری خودداری کنید تا این کار برای بچه‌ها به عنوان یک عادت در بیاید، نه این که جذب رنگ و ظاهر و تبلیغات کالاها شوند و هر چه در چشم زیبا آید در سبد خرید قرار داده شود. خرید را باید متناسب با مقدار پول موجود و نیاز واقعی و با توجه به اولویت‌های خانواده انجام داد.
- اگر فرزندان را به خرید می‌فرستید، به نکات زیر توجه داشته باشید:
- به مقدار لازم پول در اختیار او قرار دهید، منظور از مقدار

لازم، نه کم‌تر از میزان کالای سفارش شده است تا فرزند شما پس از خرید مقروض یا احیاناً سرافکننده در مقابل مغازه‌دار و سایر مشتری‌ها نشود و نه خیلی بیش‌تر از حد نیاز، تا برای خریدهای غیرضروری وسوسه نگردد.

- به مغازه‌ها و فروشندگان، مسیر رفت و آمد و به مدت زمان رفت و برگشت او توجه و نظارت داشته باشید.
- نوعی برنامه‌ریزی داشته باشید که بچه‌ها مکرراً به خرید نروند، بلکه با کمی هماهنگی، خریدها بیش‌تر به صورت یکجا انجام شود تا از اتلاف وقت آن‌ها پرهیز گردد.
- حتی‌المقدور از فرستادن دختران، آن هم به‌صورت تنها، به خرید خودداری شود و در صورت ضرورت، رعایت احتیاط‌های لازم در خیابان و کوچه، به‌خصوص برخورد متین و جدی با فروشندگان مرد به آن‌ها تذکر داده شود.

- کودکان را در ساعات دیر وقت شب به خرید نفرستید.
- به آن‌ها تذکر بدهید که هر خریدی درست نیست، مانند خرید شانس‌ها یا مواد محترقه یا برخی از مواد غذایی ظاهراً جذاب که از نظر تغذیه‌ای مضرند، مثل یخ‌مک، پفک و... یا خرید موارد خوراکی خارجی که تولید داخلی آن هم وجود دارد و از لحاظ مرغوبیت نیز مناسب است.
- به آن‌ها یاد دهید برای خرید کردن با شما مشورت کنند و برای خرج کردن پول خود هم برنامه‌ریزی و دقت داشته باشند.

فرزندان و پول

امام باقر(ع): «خداوند درهم و دینار را برای سامان‌یابی کار خلق قرار داده است تا بدان وسیله، امور زندگانی مردمان بگذرد و نیازهای آنان برآورده شود.»

نحوه نگاه‌داری از اسکناس‌ها را باید به فرزندان آموزش داد تا از ضرر بزرگ ملی ناشی از عدم نگاه‌داری صحیح پول جلوگیری شود. با خرید یک کیف پول که هزینه کمی دارد، به‌راحتی می‌توان پول را نگاه‌داری کرد. بچه‌ها باید ارزش پول در آوردن، پول نگاه‌داشتن و پول خرج کردن را بدانند.

آن‌ها باید بدانند که پول نعمتی از جانب خداست که با زحمات فراوان پدر و مادر به‌دست می‌آید. لذا نباید به راحتی از بین برود و باید در قبال آن احساس مسئولیت کنند. در ضمن باید این را هم بدانند که پول وسیله است، نه هدف، و در برخورد با پول باید نه آن قدر وابسته بود که به مرز بخل و حساست رسید و نه آن قدر

بی توجه که به مرز اسراف و زیاده روی وارد شد. به همین خاطر باید به آن‌ها آموزش داد که پول توجیبی خود را به اندازه و بجا خرج کنند. بجا و اندازه بودن را هر خانواده با توجه به شرایط خود به فرزندان آموزش می دهد.

مدیریت خانواده سعی کند پول توجیبی بیش از اندازه نیاز فرزندان به آن‌ها ندهد و با محاسبه نیاز هفتگی یا ماهانه بچه‌ها و با گفت‌وگو و توافق این پول را در اختیار آن‌ها بگذارد. ضمن آن که می توان گه گاه آن‌ها را تشویق به دادن صدقه از پول خود یا شرکت در خیریه‌های فصلی کرد. هم چنین می توان آن‌ها را راهنمایی و تشویق کرد که اضافه پول توجیبی‌ها یا عیدی‌های خود را پس انداز کرده، در موارد مهم تر خرج نمایند.



فرزندان و حفظ اموال

امام صادق (ع): «احتفظ بمالک فانه قوام دینک». «امام صادق (ع): «مال خود را نگهداری کن که مایه پایداری دین توست.» از دیگر آموزش‌های ضروری به فرزندان، توجه دادن آنان به حفظ اموال است. برخورد توپ با شیشه و شکسته شدن آن یا وارد شدن ضرر به اموال دیگران، مستلزم صرف هزینه‌های مادی و زمانی زیادی است و بر پدر و مادر واجب است از پول پس انداز فرزند (اگر دارد) یا از پول خودشان خسارت وارد شده را جبران کنند، علاوه بر آن که آبروی فرزند نزد دیگران مخدوش می شود. والدین می توانند به بچه‌ها بیاموزند که برای باز کردن در نوشابه از قاشق و چنگال استفاده نکنند، درها را آهسته ببندند، آب زیاد مصرف نکنند، در نگهداری وسایل خود انضباط و نظم داشته باشند... تا با ایجاد احساس مسئولیت در آن‌ها این دقت و آموزش‌ها تدریجاً برای حفظ اموال عمومی نیز گسترش یابد

و مثلاً از وسایل مدرسه به نحو صحیح استفاده کنند، به میز و نیمکت و در و دیوار و وسایل هم کلاسی‌های خود ضرر و صدمه‌ای وارد نکنند، بدون اجازه دست به جیب و کیف دیگران و لوازم خانواده خود نبرند، برای برداشتن وسایل دیگران از آن‌ها اجازه بگیرند (رعایت همین نکته از بسیاری درگیری‌های خانگی فرزندان جلوگیری می کند)، کرایه تاکسی و اتوبوس را به‌طور کامل بپردازند و کوتاهی در پرداخت آن را زرنگی ندانند و به خاطر این امور دوستان خود را تأیید نکنند، بلکه کوتاهی کردن در این امور را یک ضرر معنوی برای خود و یک ضرر مادی برای جامعه بدانند. به‌طور کلی، برای مالکیت دیگران و حدود آن اهمیت قائل شوند و حق الناس را مهم بدانند. توجه دادن بچه‌ها به این امور سبب می شود که بعدها در بزرگسالی، وقتی در جامعه متصدی شغلی و فعالیتی شدند، نسبت به اموال و حقوق مردم حدود و ضوابط را رعایت کنند.

فرزندان و کار

تشویق فرزندان به کار کردن از وظایف تربیتی والدین است. کار کردن را باید به عنوان یک ارزش مثبت به فرزندان آموزش داد و آغاز آن هم از همان ابتدای کودکی است. می توان کودک را برای همکاری در امور ساده و پیش پا افتاده تشویق کرد. با بزرگ شدن کودکان می توان انسان‌هایی را که با کار و تلاش بیگیر و پشتکار فزاینده خود به درجات عالی انسانی و اجتماعی رسیده‌اند، به عنوان الگو معرفی کرد. متأسفانه بسیاری از جوانان این گونه‌اند که می خواهند خیلی زود به همه چیز برسند و از ابتدای زندگی همه چیز داشته باشند، در حالی که باید به آن‌ها یادآوری کرد که جوهره زندگی کار است و کار.

امام صادق (ع) می فرماید: «دانه برای خوراک آدمی پدید آمد و آسیاب کردن و خمیر کردن و نان پختن تکلیف انسان گشت. پشم برای لباس انسان آفریده شد و باز کردن و رشتن و بافتن وظیفه او گردید. درخت پدید آمد و کاشتن و نگهداری آن بر عهده انسان قرار گرفت و در هر پدیده‌ای از پدیده‌ها جایی برای کار و تلاش آدمی باقی گذاشته شد، زیرا که صلاح آدمی در همین است...»

حتی همه آن‌هایی که به عنوان افراد ثروتمند شناخته شده‌اند، سالیان سال کار کرده‌اند تا بدین جا رسیده‌اند. جوانان ما باید بدانند که کار عامل مهم تربیت، کسب تجربه، تشخیص اجتماعی، به دست آوردن مهارت‌های زندگی و رشد استعدادها و بروز خلاقیت‌هاست. در واقع کار، قانون حیات آدمی است. بی کاری



بر عکس، به هنگام شکایت فرزندان توجه آن‌ها را به نقاط مثبت زندگی جلب کرده، با ارج‌گذاری بر زحمات پدر، آن‌ها را به کار و تلاش بیشتر و آینده بهتر و تأمین درآمد از راه حلال امیدوار و تشویق نمایند. شکرگزاری خدا را به خاطر نعمت‌های بی‌شمارش یادآوری کنند و میانه‌روی و اعتدال را به آن‌ها آموزش دهند و درس خودباوری و تمرین اعتماد به نفس به آن‌ها بدهند.

توجه به این نکته ضروری است که احساس رفاه و آسایش، مهم‌تر از داشتن وسایل و اسباب متعدد است. چه بسیار خانواده‌ها که با داشتن امکانات رفاهی فراوان احساس رضایت و آرامش نمی‌کنند، زیرا ارزش داشته‌های خود را نمی‌دانند، و چه بسیار افراد که با رضایت‌مندی و قناعت از حداقل امکانات با مدیریت و دقت استفاده و رفع نیاز می‌کنند، زیرا «ولاکنز اغنی من القناعة». هیچ گنج و ثروتی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست. در این گفت‌وگو می‌توان روش‌های جلوگیری از اسراف را به فرزندان آموزش داد و حتی با سؤال از فرزندان و تحریک خلاقیت آنان از خودشان خواست که با ابداع روش‌های جدید و ارائه ایده‌های نو شیوه‌های بهره‌وری را نشان دهند یا آن‌چه را که در این زمینه آموخته‌اند به بقیه اعضای خانواده بیاموزند. هم چنین با بیان تجارب شخصی یا شخصیت‌های تاریخی، به خصوص مردان الهی و اولیای دین یا حوادثی که در ملل دیگر اتفاق افتاده، به آن‌ها یاد داد که چگونه می‌توان با کار سالم، خلاقانه و توأم با پشتکار و با توکل بر خدا و نیز با مشورت و یاری دادن به آن‌ها شغل مناسب و زندگی پاک و شیرین داشت.

برگرفته از کتاب: خانواده موفق (دفتر چهارم - اقتصاد خانواده).

تألیف طاهره کشاوردی. از انتشارات دانشگاه پیام نور

موجب عدم تعادل و کسالت روحی و مادر انواع بزهکاری‌هاست، در حالی که کار و کوشش موجب ایجاد تجربه و مجموعه تجربه‌ها، نردبان ترقی، تعالی و استقلال است.

گفت‌وگوهای خانوادگی

«لیس للانسان الا ما سعی، وان سعیه سوف یری.»

انسان جز حاصل کوشش خویش چیزی ندارد و نتیجه کوشش وی به زودی دیده می‌شود.

یکی از روش‌های ایجاد رفتار اقتصادی، ترتیب دادن گفت‌وگوهای خانوادگی درباره مسائل اقتصادی است. سؤالات فرزندان، اتفاقات مختلف در جامعه، کم و زیاد شدن درآمد خانواده و... فرصت‌های مناسبی است که گفت‌وگوهای جمعی صورت بگیرد. پدران و مادران آگاه از این موقعیت‌ها استفاده کرده، به بچه‌ها آموزش می‌دهند. از مهم‌ترین مباحث، توضیح درباره وضع و پایگاه اجتماعی خانواده برای فرزندان است. هر خانواده در جامعه دارای وضع اجتماعی خاص خود است. منظور از «وضع» این است که از حیث امکانات، زندگی هر کس با دیگران تفاوت‌هایی دارد که این تفاوت‌ها برخی جبری و برخی اختیاری‌اند.

کودکان و نوجوانان در مدرسه، اجتماع یا در مهمانی‌ها، با هم کلاسی‌ها یا افرادی برخورد می‌کنند که مثلاً لباس‌ها یا لوازم خیلی متنوع و قشنگ دارند یا خیلی راحت پول خرج می‌کنند. این‌ها ممکن است سؤالات یا ابهاماتی برای فرزندان به وجود آورند یا این‌که انگیزه‌ای شوند تا آن‌ها از وضعیت خود دچار نارضایتی شده، درخواست‌های گوناگون را از والدین داشته باشند. برای آن‌ها باید توضیح داده شود که هر خانواده دارای جایگاه و وضع اجتماعی خاص خود است.

گرچه خانواده‌ها می‌توانند و باید تغییراتی در وضعیت خود به وجود آورند، ولی این مسئله بسیار مهم است که هرگز نباید در این ارتباط دچار چشم و هم‌چشمی‌ها و رقابت‌های فرساینده شد، بلکه باید به گونه‌ای همه جانبه و با رعایت شرایط، به خصوص رعایت حدود الهی و حلال و حرام و ضرورت حضور فیزیکی، معنوی و تربیتی والدین در خانه، به این مسائل پرداخت. فرزندان باید یاد بگیرند که قانع باشند و براساس آن‌چه دارند با خلاقیت و تلاش، امکانات بهتری فراهم کنند و نسبت به داشته‌های دیگران حسادت نورزند. هم چنین، والدین هرگز نباید از کمبودها و نداشته‌ها بنالند.

به خصوص مادران فهمیده نباید کاستی‌های زندگی را در پیش چشم فرزندان به رخ پدر و اعضای خانواده بکشند، بلکه